

تحلیل برنامه‌های توانمندسازی زنان در افغانستان: مطالعه موردی ولایت بلخ

بهشته خرم¹

فشرده

- به یمن دهه اول صلحسازی نسبتاً آرام با پشتیبانی تیم بازسازی ولایتی، ولایت بلخ توانست در زمینه توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی به پیش رفت‌هایی خوبی نایل شود؛ کارمندان ملکی بخش انکشافی اجازه یافتند پروژه‌های انکشافی را در روستاهای این ولایت اجرا کنند. همچنین این ولایت برنامه‌های انکشافی را به اهداف زمان جنگ گره نزد، هر چند جنگ موجب شد بودجه از ولایت بلخ به ولایت‌های ناامنتر انتقال پیدا کند.
 - موضوعاتی نظیر ترجیح همکاران بین‌المللی برای پروژه‌های کوتاهمدت و ناامنی فزاینده به ویژه در دهه دوم صلحسازی، برنامه‌های توانمندسازی در ولایت بلخ را نیز متأثر کرد.
 - برنامه‌های توانمندسازی زنان پس از سال 1420 را که در سال 2020 به پایان میرسد، خیلی زود است که موفق یا ناکام اعلام کنیم. نهادهای ذیدخل تاحال گزارش دقیق از ارزیابی عملکردشان در ولایت بلخ منتشر نکرده‌اند. بر علاوه، در میان مردم محل و ناظران بین‌المللی نسبت به تداوم و پایداری این برنامه‌ها اطمینان کامل وجود ندارد.
- ولایت بلخ در شمال افغانستان از سال 1200 بدینسو شاهد تطبیق تعداد زیادی از پروژه‌های توانمندسازی زنان در چارچوب صلحسازی بوده است. مرکز این ولایت، شهر مزار شریف، چهارمین شهر بزرگ افغانستان است که یک پایگاه منطقه‌ای بزرگ برای پروژه‌های صلحسازی و نهادهای تمویل‌کننده به شمار میرود. در دوران انتقال (از سال 6200 تا انتقال 1420)، بلخ بخشی از حوزه مسئولیت تیم بازسازی ولایتی سویدن بود. کشور سویدن با تفکیک اهداف نظامی

از کار صلحسازی ملکی توانست از مشکلاتی که دیگر تیم‌های بازسازی ولایتی روبرو شده بودند، جلوگیری کند. این کشور همچنان با اختصاص بیشتر کمک‌ها از طریق نهادهای دولتی از ایجاد ساختارهای موازی نیز تا حد زیاد جلوگیری کرد. پس از پایان مأموریت تیم‌های بازسازی ولایتی در افغانستان در سال 1420، پروژه‌های صلحسازی از طریق تلاش‌های سازمان ملل متحد، بانک جهانی، اروپا و آمریکا ادامه پیدا کرد. تا همین اواخر، بلخ از نظر امنیتی در سطح کشور منحصر به فرد بود و به همین دلیل کارمندان توسعه آن را به اندازه کافی امن ارزیابی می‌کردند و دسترسی خوبی به مناطق روستایی این ولایت داشتند؛ این میزان دسترسی به روستاها در بسیاری از ولایت‌های دیگر ناممکن بود. دسترسی به مناطق دور دست امکان اجرای برنامه‌های موفق توانمندسازی اقتصادی زنان در عرصه زراعت را میسر نمود. امنیت نسبتاً خوب بلخ در عین حال موجب شد تا بودجه‌های انکشافی از بلخ به مناطق ناامن سوق داده شود تا در امر مبارزه با شورشیان کمک کرده و رضایت مردم مناطق ناامن را تأمین نماید. مثل دیگر نقاط افغانستان، ارزیابی ابتدایی از نتایج برنامه‌های توانمندسازی زنان در بلخ نشان می‌دهد که نتیجه این برنامه‌ها هم موفق بوده و هم با نارسایی‌ها و ناکامی‌ها توأم بوده است (البته این ارزیابی‌ها تنها در مواردی می‌تواند انجام شود که ارقام و آمار وجود دارد).

برخلاف دیگر ارزیابی‌ها که یک گزارش کلی از برنامه‌های توانمندسازی زنان در سطح کشور ارائه می‌کنند، در این تحقیق تلاش شده تا دورنمای این برنامه‌ها در سطح ولایت به دست داده شود. منابع استفاده شده در این تحقیق به دو دسته تقسیم می‌شوند، (الف) گزارش‌های رسمی منتشر شده از اجرای برنامه‌های توانمندسازی در ولایت بلخ و (ب) معلومات بدست‌آمده از مصاحبه‌ها با زنان ذخیل در برنامه‌های توانمندسازی در سطح محلی در این ولایت. برای تکمیل این تحقیق با کارمندان ارشد دولتی، اعضای نهادهای جامعه مدنی، و کارمندان مؤسسات خیریه خارجی مصاحبه انجام شده تا دیدگاه‌ها و نظریات آنها نیز منعکس شود. ترکیبی از معلومات منتشر شده و آنچه از مصاحبه‌ها بدست آمده نشان می‌دهد که پیشرفت قابل توجهی در جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان به دست آمده، اما چالش‌های جدی نیز فراروی زنان وجود دارد. برنامه‌های توانمندسازی زنان و دختران با کمبود منابع روبرو بوده و از همه مهمتر

¹. بهشته خرم به عنوان دستیار آموزش برای برنامه‌های آموزشی در اداره همکاری بین‌المللی آلمان (GIZ) در ولایت بلخ کار می‌کند.

تأمین پایدار این منابع پرچالش و دشوار است، چرا که هنوز این اطمینان وجود ندارد که پس از کاهش کمکهای خارجی نهادهای دولتی افغانستان میتوانند از آنها حمایت کنند یا خیر.

مأموریت صلحسازی در بلخ در دوران حضور تیم بازسازی ولایتی سویدن

در سال ۸۲۰۰ یک نظرسنجی در مورد حوزه مسئولیت تیم بازسازی ولایتی سویدن توسط اداره همکاری توسعه بینالمللی این کشور (SIDA) انجام شد.^۲ این گزارش اعتراف میکند که آمار استفاده شده در آن «برآوردهای ابتدایی»^۲ است، اما در نبود آمار رسمی یا دیگر معلومات مربوط به صلحسازی، بررسی اجمالی این گزارش از ولایت بلخ یک منبع مهم به شمار میرود. طبق این گزارش، جمعیت ولایت بلخ به سرعت افزایش یافته و مرکز آن، شهر مزار شریف، میزبان هجوم سیلآسای مهاجران و آوارههای فاقد زمین بوده است (این آوارها نه تنها بر اثر ناامنیها بلکه به دلیل خشک سالیهای دوامدار به این ولایت سرازیر شدند). براساس گزارشها تعداد این آوارها در سال ۸۲۰۰ به اوج رسیده بود. (در آن زمان زراعت و مالداری منبع اصلی درآمد برای اکثریت قریب به اتفاق کسانی بودند که در حوزه مسئولیت تیم بازسازی ولایتی سویدن زندگی میکردند) ۶۶٪ باشندههای بلخ روستایی بودند. ولایت بلخ در رتبهبندی سال ۷۲۰۰ که از سوی صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA) انجام شده بود، در رتبه نهم قرار گرفته بود. این رتبهبندی نظر به شرایط اجتماعی و اقتصادی ولایت بلخ و با تکیه بر شاخصهایی چون دسترسی به آموزش و تحصیلات عالی، خدمات دولتی، موجودیت ساحات تجارتي و دسترسی به رسانه‌های جمعی مثل رادیو و تلویزیون، انجام شده بود.

زمینهای زراعتی با حاصلدهی بالا و ظرفیت تولید لبنیات از جمله مزیت‌های ولایت بلخ به شمار میرود. صنایعی چون ابریشم، فرش، و صنایع دستی طلا و جواهرات هنوز هم به صورت گسترده در این ولایت فعال هستند (که اکثریت این صنایع دستی توسط زنان رهبری میشوند). اما تا سال ۱۳۲۰ برای استفاده از ظرفیتهای بالقوه صنایع دستی این ولایت و فروش تولیدات آن به بازارهای بینالمللی سرمایه‌گذاری نشده بود (مخصوصاً آلمان در تلاش بود که برای کمک به زنان زمینه فروش محصولات صنایع دستی بلخ در بازار را فراهم نماید).^۳ (ترویج کشت زعفران در میان زارعین ولایت بلخ در سال ۶۲۰۰ منجر به رشد بیسابقه کشت زعفران شد و زنان در آن نقش بارز داشتند. کشت زعفران بدیل احتمالی برای کشت خشخاش را فراهم کرده است.^۴ اما تجارت آن، هنوز هم در مقیاس کوچک باقی مانده است. یکی دیگر از مزیت‌های بلخ سطح سواد نسبتاً بالا در این ولایت است؛ جایی که تسهیلات آموزشی با معیارهای نسبتاً خوب برای زنان فراهم است.

بر اساس گزارش سال ۸۲۰۰ سیدا (Sida)، بلخ در میان ولایتهایی بود که به دلیل «وضعیت امنیتی خوب و رهبری قوی» بیشترین کمکهای توسعه‌ای را دریافت کرده بود. قبل از سال ۱۲۰۰، بلخ کمکهای مهم شوروی را دریافت میکرد و زیرساختهای صنعتی و روابط تجاری با آسیای مرکزی را از آن زمان حفظ کرده بود.^۵ اما از سال ۸۲۰۰ این روند تغییر کرد. مگاریت روی، رئیس پیشین هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما) و عطا محمد نور والی این ولایت از اینکه کمکها به طور فزاینده به مناطق «نامن» در جنوب و شرق کشور سوق داده میشد، نارضایتی شدید نشان دادند. طبق ادعای آنها منابع کافی به این ولایت پرستاریده و نارضایتیهای مردم بالا میگرفت.^۶ در هر صورت، بلخ با چالشهای جدی مواجه شد که زندگی مردان و زنان این ولایت را تحت تأثیر قرار داد: نبود زمین کافی، میزان بالای مصرف مواد مخدر در قریبها (به خصوص در میان زنان) و افزایش میزان جرایم در تعداد از ولسوالیها به دلیل نبود ساختارهای قانونی و اجتماعی کافی. مسائل مربوط به زنان هنوز هم از جدیترین مشکلات این ولایت است. در سال ۵۲۰۰ صندوق کودکان ملل متحد (UNICEF) موارد ذیل را به عنوان چالشهای جدی در این ولایت برشمرد: ازدواجهای زیرسن و کار

^۲ . Larsson. 8

^۳ . Fishstein, Paul, Islamuddin Amaki, and Mohammed Qaasim. "Balkh's Economy in Transition." Afghanistan Research and Evaluation Unit. August 2013. <https://www.ecoi.net/en/file/loc> al/1228946/1226_1377517446_1306-20ip-20balkh-20economy-20aug-202013.pdf . 32

^۴ . Ibid. 40

^۵ . Fishstein, Paul and Andrew Wilder. "Winning Hearts and Minds? Examining the Relationship between Aid and Security in Afghanistan." Feinstein International Center; Tufts University. January 2012.

<https://fic.tufts.edu/assets/WinningHearts-Final.pdf> . 21

^۶ . Larsson. 5

کودکان) 46.3٪ دختران ۲۰ تا ۴۲ ساله، قبل از سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده بودند، نبود نمک آیدیندار که برای صحت اطفال تازه متولد شده مهم است و نبود کمکهای صحتی برای جلوگیری از مرگومیر مادران هنگام ولادت.

اما ویژگیهای مهم و مثبت در مدیریت حوزه مسئولیت تیم بازسازی ولایتی سویدن وجود داشته است. سویدن و شریک آن فلاند پروژههای توسعهی را به شیوه متفاوت از دیگر تیمهای بازسازی ولایتی مدیریت کردند. تا سال ۲۰۱۰ بیشتر بودجهها از طریق دولت مرکزی به مصرف میرسید (از طریق سازوکارهای مختلف بودجی). با توجه به انتقادهای گسترده علیه «نهادهای موازی» ایجادشده توسط تمویل کنندگان که به تضعیف دولت در دیگر ولایتها انجامید، این الگوی مدیریت حایز اهمیت است. یکی از ویژگیهای کلیدی دیگر تیم بازسازی ولایتی سویدن، تفکیکوظایف کارمندان ملکی از وظایفنیروهاینظامیتمبازسازی ولایتی بود که نشاندهنده بیمبلی اعضای ائتلاف اسکاندیناوی به استفاده از نظامیان در امور کمکرسانی است. با توجه به تجربیهای منفی تیمهای بازسازی ولایتی در دیگر نقاط کشور، این ویژگی تیم بازسازی ولایتیسویدن حایز اهمیت میباشد.⁷ امنیت نسبی بلخ نیز جدایی میان وظایف نظامیها از غیرنظامیها را سهل کرده بود، هرچند ناامنی در بعضی مناطق این ولایت به دلیل فقر و بیکاری ادامه پیدا کرد و موجب افزایش میزان جرم شد.¹⁶⁹⁹⁸ نبود جنگ و تلفات غیرنظامی به این معنی نیز بود که مردم محل اعضای ائتلاف را به دیده ترس یا نفرت نمیدیدند و تمایل بیشتری برای تعامل با تیم بازسازی ولایتی داشتند. بطور کلی، الگوی ولایت بلخ به معنای کنترل بیشتر افراد ملکی بر اجرای برنامههای توسعهی بود و اهداف جنگی در تخصیص بودجههای انکشافی کمتر نقش داشت.

بلخ در مرکز توجه بسیاری از کارگزاران توسعه قرار گرفت و آنها این ولایت را به عنوان مرکز مهم منطقهای فعالیت هایشان انتخاب کرده بودند.^{1۰} دستکم دو سازمان توسعهای (مرکز همکاری برای افغانستان و مدیکی موندیاله) تحت هدایت کمیسیون اتحادیه اروپا بطور مستقیم در قسمت توانمندسازی زنان، فراهمساختن سرپناه، ارائه حمایتیهای قانونی فعالیت میکردند و با دیگر سازمانهای فعال در عرصه مسائل زنان (از جمله افزایش درآمد مالی و دسترسی به عدالت) نیز همکاری بودند. همچنین حوزه مسئولیت تیم بازسازی ولایتی کشور سویدن به طور فزاینده و مستقیم از اتحادیه اروپا بودجه دریافت میکرد. بر علاوه، یونیسف پروژههایی با توجه ویژه بر آموزش با کیفیت برای دختران داشت. بانک جهانی به عنوان منبع اصلی بودجه توسعه بینالمللی برای افغانستان در پیشکش نمودن کمکهای مالی برای تقویت آموزش دختران فعال بود و زنان از برنامههای دیگر این سازمان نیز مستفید میشدند. بطور مثال، برنامه همبستگی ملی که از پروژههای کوچک حمایت میکرد و در تقویت شمولیت اجتماعی زنان روستایی نقش داشت، از سوی بانک جهانی تمویل میشد. این برنامه به عنوان یکی از محبوبترین برنامههای انکشافی تمویلشده از سوی بانک جهانی در افغانستان شناخته شده و یکی از بهترین نمونههای همکاری میان تمام کارگزاران بزرگ انکشافی از جمله دولت افغانستان به حساب میآید.

علاوه بر کمکهای چند ملیتی، کمکهای دوجانبه قابل توجهی نیز به بلخ رسید. آلمان و¹⁰ جاپان در جریان کمک هایشان به بلخ و شهر مزار شریف با همکاری سویدن و نماینده گیهایسازمان ملل متحد برنامههای اجرا کردند که زنان از آن مستفید شدند. کشورهای آلمان و سویدنبه مسائل جنسیتی توجه ویژه داشتند. اداره انکشاف بینالمللی ایالات متحده امریکا (USAID) بزرگترین و بیشترین فعالیتهای کمکرسانی در افغانستان را انجام داده است. گزارش سال ۲۰۰۸ سیدا (Sida) نشان میدهد که این نهاد هیچ پروژههای را به طور مستقیم برای توانمندسازی زنان اختصاص نداده است، هر چند این گزارش پروژههای زیادی را نام برده است که در تیوری با توانمندسازی زنان مرتبط است؛ مانند معارف و تحصیلات عالی، آموزش مهارتها، و توانمندسازی جوانان.

با وجود تمام این فعالیتهای سیدا (Sida) نتیجهگیری میکند که مسائل مربوط به زنان در تمام بخشها نیاز به توجه به مراتب بیشتر دارد.^{1۲} هرچند بلخ به عنوان یک نمونه موفقیت از نظر سطح سواد مقامات و کارمندان دولتی بحساب میآید، تا سال ۲۰۰۸ (هفت سال پس از آغاز مأموریت ناتو) فعالیت به مراتب بیشتر برای حق برابری و توانمندسازی زنان نیاز است. در گزارش سال ۲۰۱۰ دانشگاه تافتس، پاسخ دهندگان افغان از پروژههای کوچک توسعهی و عدم پایداری آنها ابراز نارضایتی کردند.¹¹ مردم تمایل زیاد به پروژههایی نشان دادند که ثبات و اشتغال درازمدت را فراهم کنند. یکی از دلایل کمبود بودجه برای این نوع پروژهها، «مجازات صلح» توصیف شده است؛ به این معنا که نبود جنگ در ولایت بلخ باعث شده تا تمویل کنندنها منابعشان را به سمت

⁷. Fishstein and Wilder. 28

⁸. Ibid. 34

⁹. Larsson. 35

¹⁰. Larsson. 63

¹¹. Fischstein and Wilder. 47

ولایت‌های نا امنتر سوق دهند. در ضمن، کمک‌های انجام‌شده به طور عموم ناپیوسته و نامنجم بوده و خوب اجرا نشده است. این مشکلات از نداشتن دانش لازم محلی تمویل کنندگان، عدم اجرای وعده‌های قبلی و تغییر و تبدیل تیم‌های بازسازی ناشی شده است. اکثراً تیم جدید بازسازی ولایتی و سوس ه میشده تا موفقیت‌های خود را نسبت به تیم قبلی بیشتر گزارش دهد. در نتیجه همین وسوسه‌ها، بخشی از منابعشان را به بزرگان محل رشوه میداده است (این وضعیت باعث نگرانی مردم محل و سازمان‌های کمکرسانی گردیده است زیرا ممکن است در آینده‌ها سبب گسترش بیثباتی در ولایت شود).

¹² وقتی در سال 1320 اعلام شد که مأموریت تیم‌های بازسازی ولایتی در سال 1420 طبق برنامه انتقال امنیتی از نیروهای ناتو به نیروهای افغان خاتمه مییابد، بیاطمینانی در میان باشندگان ولایت‌بلخ وجود آمد. هرچند مردم خواهان حضور دایمینیروهای بینالمللی در بلخ نبودند، اما در آن زمان پاسخ دهنده‌گان از انتقال کامل اختیارات امنیتی به مقامات محلی اعتماد لازم را نداشتند (تیم بازسازی ولایتی سویدن در مقایسه با دیگر تیم‌های بازسازی ولایتی کمتر در چشم مردم مزاحم به نظر می رسید. ¹³ در کنار حکومتداری ضعیف و مقامات محلی فاسد، مسائل اقلیمی مانند خشکسالی، گسترش بیابانها و نابودی فضای سبز، و استفاده بیش از حد از منابع طبیعی مشکلات مردم را مضاعف کرد

پس از گذار برنامه‌های توانمندسازی بین سالهای 2014 تا 2020

دسترسی به اطلاعات مربوط به دوره پس از انتقال مسئولیت‌های امنیتی به مقامات افغانستان در مورد ولایت بلخ بسیار دشوار است. ازینرو، تجربیات و مصاحبه‌های افراد کلیدی و افراد ذینخل در برنامه‌های توانمندسازی بسیار مهم است

در میان ارزیابی‌های موجود، گزارش‌های سیدا (Sida) و سازمان بینالمللی کار در مورد همکاری آنها در پروژه «به سوی شغل» (که از سال 1520 بدینسو در ولایت بلخ تطبیق شده) حایز اهمیت میباشند. ارزیابی سال 1820 موفقیت نسبی در شامل نمودن زنان در تجارت محصولات زراعتی (به عنوان مثال موفقیت در بخش تولید لبنیات اما شکست در مرغداری) را نشان میدهد، هر چند این گزارش مدعی موفقیت دیگر ذینفعان نیز است. در یک گزارش تازه، سازمان بینالمللی کار ادعا میکند که 5162,2 شغل را توانسته دو ولایت بلخ و سمنگان بهبود ببخشد که از آن جمله 475,3 شغل آن مربوط زنان میشود.¹⁴

در همین حال، برنامه پروموت که از سوی اداره انکشاف بینالمللی ایالات متحده امریکا برای توانمندسازی زنان تمویل میشود، نیز ادعا میکند که بین سالهای 1320 تا 2020 به ولایت بلخ توجه نموده است، هرچند که هنوز ارزیابی دقیقی از واپسین نتایج آنرا منتشر نکرده است. در ارزیابی‌های منتشرشده پروموت از اهداف و برنامه فارغ التحصیلان این برنامه، این نهاد هیچگونه ارزیابی ولایتی نشر نکرده است.¹⁵ ¹⁶ به این ترتیب، اثرگذاری واقعی برنامه پروموت بر وضع زنان ولایت بلخ هنوز نامعلوم است. بازرس ویژه ایالات متحده برای بازسازی افغانستان (سیگار) در بازرسی سال 1820 خود صریحاً از پایداری و مؤثریت کلی برنامه پروموت انتقاد کرده است؛ بدوناینکه ارقام و اعداد مشخص از هر ولایت بدست دهد.¹⁹

اداره همکاری بینالمللی آلمان (GIZ) یکی از بزرگترین تمویل کنندگان بین سالهای 1420 تا 2020 بوده است و عمدهترین برنامه آن (SEDEP) است که هدف آن ایجاد اشتغال پایدار در شش ولایت شمالی از جمله بلخ است. این نهاد ادعا میکند که از سال 1720 به این سو 9,700 نفر از خدمات آموزشی، مشاوره و نیازسنجی آن مستفید شده است و از آن جمله 37٪ مستفیدشوندگان آن را زنان تشکیل میدهد. همچنان، این نهاد ادعاهای را در زمینه بهبود کلی در کیفیت زراعت مطرح کرده است.²⁰ ولی این اداره هنوز هیچگونه ارزیابی عمومی از برنامه‌های توسعه‌یاش منتشر نکرده است. مشاور و آموزگار جوانان در اداره همکاری بینالمللی آلمان که در این تحقیق شرکت کرده معتقد است که برنامه‌های آموزشی آلمان در توانمندسازی زنان مؤثر بوده و بویژه به زنان در

¹² . Ibid. 49

¹³ . Fishstein et al. 2

¹⁴ . Watkins, Francis, Kimiko Hibri Pedersen and Naweed Rahmani. "Evaluation of ILO Road to Jobs

(R2J), Afghanistan." Sida. 2019. https://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed_emp/documents/publication/wcms_705770.pdf

¹⁵ . "PROMOTE: Women In Government." USAID. July 2019. https://www.usaid.gov/sites/default/files/documents/1871/Promote_-_Women_in_Government.pdf

¹⁶ . "PROMOTE : Women's Leadership Development." USAID. July 2019. https://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/Promote_-_Womens_Leadership_Development_0.pdf

شبکه‌سازی کمک کرده است.^{1۲} او همچنین معتقد است که این برنامه در ارتقای سطح هوش عاطفی، مهارت‌های ارتباطی، ظرفیت شغلی و مهارت‌های رهبری شرکت‌کنندگان مؤثر بوده است.

تیمینه گوهری، که در ریاست امور زنان ولایت بلخ کار میکند، هم کارهای گسترده‌ی ادارات دولتی با این برنامه‌ها را قناعتبخش می‌خواند. او همچنان از فعالیتهای مؤسسات کمکرسانی دیگر مانند کمیته دانمارک برای کمک به پناهندهگان افغان (DACAAR) که با حمایت اتحادیه اروپا به پناهندهگان افغان مساعدت مینماید نیز یادآوری میکند. این نهاد برنامه‌های آموزشی راهاندازی کرده و تجهیزات زراعتی و خیاطی را نیز فراهم میکند.^{۲۲}

به گفته گلچهره بهین، رئیس سازمان حقوقی مبتدا و عضو یک سازمان محلی زنان (گروه مشورتی صدای زنان برای پالیسی صلح مدنی)، این برنامه‌های توانمندسازی در افزایش مشارکت زنان در زندهگی اجتماعی مؤثر بوده است. وی میگوید: «برنامه‌های توانمندسازی در بلخ بدون شک مفید بوده و سازمانهای جامعه مدنی در این زمینه تلاشهای کرده‌اند.» او تصریح میکند:

«متأسفانه برنامه‌های دولت در این زمینه چندان مؤثر نبوده است.» وی برای رسیدگی به این موضوع از زنان می‌خواهد که از مهارتهای تازه‌ی گرفته‌ی خود برای سواد آموزی و توانمندسازی زنان دیگر استفاده کرده و سازمانهای جامعه مدنی خود را پایبگذاری کنند.^{3۲} به گفته بهین، فعالان مدنی که در عرصه توانمندسازی زنان فعالیت میکنند از این امر آگاهاند که ناامنی میتواند مانع مؤثریت برنامه‌های توانمندسازی شود اما تأکید میکند که این برنامه‌ها علاوه بر فعالیت کردن زنان از نظر اجتماعی به کاهش خشونت و تقویت روند صلح نیز کمک میکنند.

یکی دیگر از مصاحبه‌شونده‌ها معتقد است که برنامه‌های توانمندسازی علاقه زنان به تجارت و خریدوفروش را افزایش داده است. از نظر او این برنامه‌ها باعث افزایش تعداد زنان فروشنده و زنان صاحب مغازه در بازار شده و در نتیجه دسترسی به کالاهای مورد نیاز زنان را نیز آسانتر کرده است.^{4۲} یلدا بری، مسئول پروژه توانمندسازی اقتصادی زنان در نهاد (GIZ) است به این باور است که مشورت نزدیک با شرکتکنندهگان این برنامه‌ها، توجه به بازخورد آنها، و جلسات ویژه با سخنگویان زنان بازرگان در بهبود تجارت کمک میکند. با این حال، باید توجه خاصی به زنان بیسواد صورت گیرد و به آنان برنامه‌های آموزشی تجارت حرفهای و عملی اختصاص داده شود. نهاد توانمندسازی اقتصادی زنان سهولتهای خاص برای شرکت زنان در نمایشگاههای تجاری 25 فراهم کرده و غرفه‌های رایگان نیز در اختیار آنها قرار داده است.

شرکت‌کنندهگان این برنامه‌ها، توجه به بازخورد آنها، و جلسات ویژه با سخنگویان زنان بازرگان در بهبود تجارت کمک میکند. با این حال، باید توجه خاصی به زنان بیسواد صورت گیرد و به آنان برنامه‌های آموزشی تجارت حرفهای و عملی اختصاص داده شود. نهاد توانمندسازی اقتصادی زنان سهولتهای خاص برای شرکت زنان در نمایشگاههای تجاری فراهم کرده و غرفه‌های رایگان نیز در اختیار آنها قرار داده است.^{5۲}

91. "Promoting Gender Equity in National Priority Programs (Promote): USAID Needs to Assess this \$216 Million Program's Achievements and the Afghan Government's Ability to Sustain them." SIGAR.

September 2018.

<https://www.sigar.mil/pdf/audits/SIGAR-18-69-AR.pdf>

02. "More work and income in northern Afghanistan." Deutsche Gesellschaft für Internationale Zusammenarbeit

(GIZ) GmbH. <https://www.giz.de/en/worldwide/30881.html>

12. Joya, Gulbibi. Interview by the author. August 15 2020.

22. Samar, Nadia. Interview by the author. June 30 2020.

اما، مصاحبه‌شونده‌های دیگر به این عقیده نیستند. به باور آنها در دستاوردها در تمام ساحات این ولایت بودیم، اما در سالهای اخیر این دستاوردها به دلیل افزایش ناامنیها محدودتر شده است. خانم گوهری اما معتقد است که زنان باوجود این مشکلات میتوانند پیش رفت‌هایشان را چند برابر کنند. او میگوید یک دختر که در برنامه‌های توانمندسازی شرکت میکند بعد از فراغت میتواند حدود ۲۰ نفر دیگر را نیز توانمند کند (که می‌تواند شامل اعضای خانواده و دوستان آنها باشد).^{7۴} خانم گوهری، کارمند ریاست امور زنان ولایت بلخ، میگوید که باوجود همگیری کوی-د-۱۹ در سال ۲۰۲۰ جلسات توانمندسازی ادامه یافته و حدود ۲۰۰۰ زن که شامل برنامه‌های ریاست امور زنان و نهادهای وابسته به آن بودند، از این برنامه‌ها مستفید شدند.

چالش اصلی شناسایی شده توسط مصاحبه‌شونده‌ها کیفیت برنامه‌ها بوده است – تضمین استخدام معلمان تخصصی، معیارهای علمی برنامه‌ها، و رویکرد حرفه‌ای.^{8۲} امنیت از دیگر چالش‌ها است. بسیاری از برنامه‌های توانمندسازی زنان در ولسوالی‌ها به دلیل نبود امنیت متوقف شدند و برنامه‌های زیادی تکمیل نشده باقی مانده‌اند. در نهایت، باید احتمال نبود انگیزه کافی برای شرکت در این برنامه‌ها را نیز اذعان کرد.^{9۲}

نتیجه‌گیری

با استفاده از دیدگاه‌های مصاحبه‌شونده‌ها در این تحقیق میتوان خلای معلوماتی میان آمار و ارقام داده‌شده و فهرست‌های طولانی برنامه‌های اجراشده توسط همکاران بین‌المللی را پر کرد. در میان زنان افغان که در برنامه‌های توانمندسازی اشتراک کرده‌اند، تمایل شدید به بهره‌گیری از این برنامه‌ها وجود دارد. برخی از آنها از سایر همکاران زن خود میخواهند که با استفاده از مهارت‌های جدید خود تلاش بیشتری برای توانمندسازی زنان به خرج دهند. بررسی‌های انجام شده از سوی منابع دیگر که بلخ را پوشش میدهند نیز نگرانی از عملکرد دولت و اراده واقعی مقامات حکومتی برای تداوم برنامه‌های توانمندسازی زنان را به وضوح نشان میدهند. این بررسی‌ها همچنین از سطح بالای نارضایتی مردم از تلاش‌های فعلی جامعه بین‌المللی حکایت میکنند؛ این موضوع نشان میدهد که آنان این تلاش‌ها را ناپسندیده ارزیابی میکنند. بدین لحاظ، بلخ بسیار شبیه بقیه ولایات افغانستان است

. ارزیابی‌های بین‌المللی تا حد زیادی با نظرات مردم افغانستان همسو است و از پایداری واقعی پروژه‌های جاری در صورت قطع حمایت تمویل‌کنندگان نگران‌اند. هرچند در مورد تعداد زنان آموزش‌دیده و افزایش مشارکت زنان در نیروی کار و زنده‌گی اجتماعی خوشبینی وجود دارد، اما بلخ به طور کامل از مشکلاتی که در بسیاری از ولایت‌های دیگر دیده میشود مصئون نیست: از قبیل نبود دانش و آگاهی محلی تمویل‌کنندگان، نبود بودجه کافی و پایدار، افزایش ناامنی، و فاجعه‌های اقلیمی (به ویژه خشکسالی). با این حال، در نواحی و روستاهای ولایت بلخ پروژه‌های توسعه‌ی تا حد زیادی راه پیدا کرده است؛ به گونه‌ای که در سایر ولایات کشور چنین چیز ممکن نبوده است. همچنین روابط و مدیریت تیم بازسازی ولایتی نیز در جلوگیری از شکل‌گیری ساختارهای مساعدتی موازی مؤثر بوده است. جهت بهبود برنامه‌های توانمندسازی زنان و دختران در ولایت بلخ نکات آتی پیشنهاد میشود.

سفارش‌های پالیسی

.32 Beheen, Gul Chehrah. Interview with the author. July 22.2020.

.42 Samar. Interview.

.52 Bari, Yalda. Interview with the author. August 12 2020.

.62 Beheen. Interview.

- اجرای برنامه‌های توانمندسازی برای زنان بر اساس مواد آموزشی با کیفیت تأییدشده از سوی مؤسسات معتبر علمی، برنامه‌های منظم، و آموزگاران متخصص .
- راهاندازی برنامه‌های درازمدت و پایدار آموزشی برای آموزشدهی تعداد بیشتر زنان در این ولایت .
- تأمین امنیت برنامه‌های توانمندسازی تا زنان مناطق دورافتاده بتوانند از این برنامه‌ها بهره گرفته و به نوبه خود آن آموزه‌ها را به زنان دیگر منتقل کنند .

.72 Gawhary, Tahmina. Interview with the author. June 30 2020.

.82 Beheen. Interview.

.92 Gawhary. Interview.